
معماری طبیعی

نوشته: آلساندرو روکا
ترجمه: صمد محمدابراهیمزاده سپاسگزار
عضو هیات علمی دانشگاه

با مقدمه و ویرایش:
دکتر مصطفی بهزادفر
دانشیار طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت





معماری طبیعی

نوشته: آلساندرو روکا
ترجمه: صمد محمدابراهیمزاده سیاسگزار
عضو هیات علمی دانشگاه

ناشر: یزدا
چاپ اول: ۱۳۸۹
نشریه تفکر معماری
مدیر تولید: محمد پیروزمند
طراح جلد و صفحه‌آرا: شاهرخ کاهه
چاپ / صحافی: روشنا
قطع و تعداد صفحات: وزیری- ۲۲۴
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
بها: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ISBN: 978-600-5549-52-2



تهران - سیدخندان - خیابان ارسباران - کوچه ستاری - شماره ۲۲ - ساختمان یزدا - تلفن: ۵۰-۲۲۸۸۵۶۴۷ (۰۲۱)
تهران - انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه بهشت آیین - شماره ۲۱ - طبقه سوم - تلفن: ۵-۶۶۴۱۵۲۲۴ (۰۲۱)
چهارراه فرهنگیان، ابتدای بلوار شهید سید محمد پاک‌نژاد، فروشگاه بزرگ کتاب یزدا - تلفن: ۴-۷۲۶۵۲۷۳ (۰۳۵۱)

WWW.YAZDA.IR WWW.HVAC.IR E-MAIL: YAZDA@HVAC.IR

نمایی حقوق چاپ و نشر این اثر، محفوظ و مخصوص یزدا است.

سرشناسه : روکا، آلساندرو
Rocca, Alessandro
عنوان و نام پدیدآور : معماری طبیعی / نوشته آلساندرو روکا ؛ ترجمه صمد محمدابراهیمزاده سیاسگزار.
مشخصات نشر : تهران: یزدا: ماهنامه تهویه و تبرید، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص: مصور.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت : عنوان اصلی: Natural architecture, c2007.
موضوع : چیدمان محوطه (هنر)
موضوع : طبیعت (زیبایی‌شناسی)
موضوع : هنر محیطی
موضوع : گیاهان در هنر
موضوع : هنر نوین -- قرن ۲۱ م.
شناسه افزوده : محمدابراهیمزاده سیاسگزار، صمد، ۱۳۵۴ -.
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۹/۹۶۴۹۴ N
رده‌بندی دیویی : ۷۰۲/۸۱
شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۹۰۰۴۵

فهرست

۷	دیباجه	
۱۱	معماری طبیعی	
۸۱	ایچی ایکی دا	۱۹
۹۳	جکی بروکنر	۲۹
۱۰۱	یوتاکا کوبایاشی	۴۳
۱۰۹	نیلز یودو	۵۳
۱۲۵	فرانسسز مچان	۶۹
۱۳۱	معماری بدون معماران	
۱۹۱	معماران گروه ان	۱۳۹
۲۰۳	اولفور الیاسون	۱۵۳
۲۰۷	ایکس. استادیو	۱۶۷
		۱۷۹
۲۱۴	اسامی هنرمندان	
۲۲۲	سپاسگزاری نویسنده	
۲۲۳	کتاب‌شناسی	

دیباچه

طبیعت به اشکال مختلفی در تمامی آثار هنری و معماری جلوه می‌نماید. قدیمی‌ترین بناهای زیبا فرم و شکل خود را از طبیعت الهام گرفته و نقش‌های بر نهاده بر سقف و در و دیوار خویش را از طبیعت امانت گرفته‌اند. آثار هنری خاصی، نظیر تابلو مونا لیزا و تندیس حضرت موسی که بر توان آفرینندگی و هنری کسانی چون «میکل آنژ» صحه می‌گذارند، و تجسم اوج هنر خلقت در لباس کالبد انسان هستند؛ بر زیبایی و شکوه ویژگی طبیعی انسان اشاره می‌کنند. فرض ایرانی که شهرت جهانی دارد، زیبایی‌های خود را مدیون نقش‌هایی است که طبیعت را نمایانگری می‌کنند. دل مشغولی هنرمند معمار قدیم را شکوه جاودانه و جادویی طبیعت رهبری می‌کرده است. اما، اکنون هنرمندان، با دل مشغولی بودن طبیعت حتا نه زیبایی آن، بلکه صرفا بودن یا باشیدن آن به خلق آثار هنری می‌پردازند. جامعه امروز به جهان‌شناسی جدیدی دست یافته است که قدرت ناآگاهانه‌اش در تخریب طبیعت را یادآوری می‌کند. هنرمندان این عصر بر آن شده‌اند تا این آگاهی جدید را، که بر یک ناآگاهی تاریخی تکیه دارد، تصویر کنند. آنان به خلق آثاری پرداخته‌اند که آگاهی جامعه را از طریق هنر روشنی می‌بخشد تا راه جدیدی برای بازگشت به خویشتن خویش، متضمن دست برداشتن از بریدن ریشه‌هایی که خود بر شاخه آن نشسته‌اند، باز نماید.

انسان امروزی با نگاهی دل اندوهانه به طبیعت می‌اندیشید. او که بر فراز جمادات و نباتات نشسته و قدرت آفریننده هستی را می‌ستاید به آگاهی نسبتا جدید دست یافته است که مایه نگرانی، دل اندوهی و دل مشغولی جمعی شده است. او به این واقعیت آگاهی یافته است، که: بر شاخ طبیعت نشسته و بن می‌برد. عمیق‌تر آن که وجود فیزیکی نوع بشر هم به شاخه و همه به ریشه طبیعت وابسته است. در واقع نوع و جامعه بشری شاخه درخت طبیعت است. شاخه بشری درخت طبیعت اثر بدیعی از هنر آفرینش است که در سایه فعالیت‌های جوامع عصر مدرن به تدریج سرسبزی، کارایی و شکوفایی خود را از دست می‌دهد. لذا، دل مشغولی دل اندوهانه انسان آگاه عصر جدید متوجه شکوفه‌های زیبایی شده است که روی شاخ و برگ کره کوچک زمین در حال پرپر شدن هستند. بیان تجسمی جریان پرپر شدن این شکوفه‌ها دروازه به باغ هنری است که شاید بتوان آن را «هنر طبیعت آیین» دانست. هر چند، به طور اصولی هنری که در مدار طبیعت بارور شده باشد در تمامیت تاریخ بودن انسان، عمیقا ریشه دارد، اما، رنگ و بو و ماهیت و ذات دل مشغولی کنونی آن نسبت به گذشته متفاوت شده است.

در گذشته، به ویژه قبل از اوج‌گیری مدرنیته، تبیین حقیقت طبیعت از طریق هنر، تبیین تقدس، عظمت، شکوه و از همه مهم‌تر زیبایی طبیعت بود.

از آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی که معلوم شد که فقط یک زمین برای زیستن وجود دارد، تلاش برای جلوگیری از تخریب آن شروع شد. در آخرین دهه قرن بیستم، به ویژه پس از «منشور دستور کار ۲۱» و کنفرانس «ریو» و نهایتاً کنفرانس ۲۰۰۹ کپنهاگ درباره اقلیم، نگرانی بشر نسبت به تخریب‌شوندگی و شکنندگی طبیعت به اوج خود رسید. تقریباً همه دانشمندان، و سیاستمداران و دست‌اندرکاران توسعه به این واقعیت پی برده‌اند که منابع طبیعی برای حیات انسان محدود است و طبیعت سامانه‌ای است که واجد ظرافت و شکنندگی و صف‌ناپذیری است. طبیعت سامانه زنده‌ای است که انسان جزئی از آن است. موجودیت و تکامل انسان در گرو فهم، دوستی، رفاقت و مدارا با طبیعت است. آنچه را که دانشمندان و سیاستمداران و توسعه‌گران از درجه علم فهمیده‌اند هنرمندان از درجه دیگری نگریسته و به آن دل داده‌اند. در نگاه هنر طبیعت تجلی و جوهر بودن آزادی، آسودگی، نظم، پاکی‌ها، سلامتی و زیبایی است. بحران زیست‌محیطی ناشی از مصرف بی‌رویه بهره‌برداری غلط و چالش ناآگاهانه با طبیعت در نگاه هنرمند عمیق‌تر از آن است که بتواند با زبان دانش تجربی و عقل درخور بیان باشد. هنرمند با ثبت خلاقانه واقعیت‌های خارجی تلاش می‌کند حساسیت عامه مردم را نسبت به

۱. اشاره به کتابی تحت عنوان «Only One Earth» که نگرانی جهانی نسبت به تخریب طبیعت کره کوچک زمین را نشان می‌دهد. این کتاب با عنوان «تنها یک زمین» به فارسی ترجمه شده است.

ناهنجاری‌ها برانگیخته و کنش‌پذیری و تعهدپذیری و مسوولیت‌پذیری عمومی را نسبت به طبیعت بارور نماید. کتاب «معماری طبیعی»، دل‌مشغولی هنرمندانی را به تصویر می‌کشد که به مثابه پیشگامان معماری طبیعی از دو زاویه برای افزایش آگاهی مردم در این راستا تلاش کرده‌اند. از یک نگاه با نوعی نگرانی و بدبینی نسبی دل‌مشغولی خود را نسبت به آینده مبهم و رو به افول طبیعت بیان می‌دارند، از نگاهی دیگر زیبایی‌های ذاتی طبیعت را با وسیله و ابزاری که مستقیماً از خود طبیعت امانت گرفته شده‌اند وصف می‌نمایند. هنر حقیقت‌پدیده‌ها را از طریق آموزه‌هایی که بر دل می‌نشیند برای جامعه مکشوف می‌کند. لذا، انتظار می‌رود حقیقت یاد شده، که در لباس شمشیر دولبه‌ای شکنندگی و زیبایی طبیعت را بیان می‌نماید، بر دل‌های جامعه بشری جاری شده و در عمق وجودشان جای گیرد.

پیشگامان معماری طبیعی برای بیان پدیده‌ای که حقیقت شکنندگی و زیبایی محیط طبیعی است، ابتدا فضای بسته گالری‌ها را رها کرده و به خود طبیعت آمده‌اند. آنان که در پستوها و زیرزمین‌ها آثار خود را بر لوح بی‌جان بوم‌های نقاشی نقش می‌بستند، شاهکار خویش را در فرایند انتقال آثار هنری از فضای بسته گالری‌ها به فضاهای باز شهرها و مناطق بنا نموده‌اند. آنان با خروج از گالری، بینندگان آثار خویش را از محدوده بازدیدکنندگان رسمی، روشنفکران و هنر دوستانی که البته می‌توانستند رابط هنرمندان و عامه مردم، باشند خارج کردند. شرایط محیط طبیعی بحرانی‌تر از آن

است که بتوان با ابزار دست چندم به آگاهی رسانی عمومی پرداخت. مردم باید مستقیماً با آثار هنری ارزنده‌ای که پدیده تخریب، نابودی و شکنندگی زیباترین پدیده هستی و آفرینش را باز نمون می‌کند آشنا شوند. آن‌گونه که «روکا» گفته است، «اسمیتسون» از اولین کسانی است که ضمن گشت و گذار خود در فضاهای طبیعی بکر، تلاش نموده است برای گسترش هنر طبیعی از فضاهای عمومی و مراکز شهری و حومه‌های شهری سود جوید. عرصه‌های همگانی به مثابه فضایی که برای تمامی مردم مالکی و قابلیت استفاده مشاع دارند برای معرفی آثار معماری طبیعی انتخاب شده است. به عبارت دیگر فضاهای همگانی بیرونی بهترین عرصه تعامل اجتماعی و تبادل دل مشغولی‌ها و مشارکت دل اندوهی‌ها است. معماری طبیعی یک پدیده و یک نمایانگر پراهمیت در قلمرو همگانی و عرصه عملی طراحی شهری محسوب می‌گردد. خلق آثار هنری در قلمرو همگانی در حال تبدیل شدن به فرهنگی است که تعامل اجتماعی و زیبایی‌شناسی جمعی یکی از اساس‌ترین هنجارهای آن است.

آثاری که در حوزه معماری طبیعی در حال شکل گرفتن است، به ویژه آن‌ها که از حضور پدیدار شناسانه هنرمند در طبیعت و بیان جلوه‌های طبیعی با ساده‌ترین شکل حکایت می‌کند، ضمن باز آفرینی فضاهای بکر و قدیمی سامانه‌های بوم‌شناختی را در اشکال مختلف توضیح می‌دهد. ساخت آثار ساده‌ای همانند سرپناهایی موقت کوچک برای کاربران کوچکی که نسبت به

آن حس تعلق پیدا می‌کنند، ممکن است از نظر برخی ماقبل تاریخی (!) به نظر برسد. اما، دل مشغولی جوامع را نسبت به طبیعت از دست رفته عمق بخشیده و تعهد جوامع را نسبت به سلامتی نسل آینده و آینده طبیعت ارتقا می‌بخشد. در متن هنر طبیعت، انسان به عنوان محوری‌ترین ساکن مکان طبیعی با گذشته فراموش شده خویش آشنایی عمیق‌تری پیدا می‌کند. لذا، انتظار می‌رود شیوه‌های دوستانه‌تری برای برقراری ارتباط با طبیعت در آینده اتخاذ کند. او متوجه می‌شود، تمام آنچه که تاکنون ساخته است از طبیعت برگرفته شده است. او متوجه می‌شود که اگر به جای کپی برداری سطحی با اصل طبیعت درآمیزد، آینده دل‌پذیرتر خواهد داشت.

برخی از هنرمندان که با دل مشغولی ارزشمند دل اندوهی نسبت طبیعت وارد میدان هنر شده‌اند، به این آموزه بودا، متمسک شده‌اند که: «اگر به جای سعی بر تسلط طبیعت با آن همکاری کنیم در مسیر تکامل خود موفق‌تر به پیش خواهیم رفت. «پاتریک دوگری» با ساخت معابد و بناها و فضاهای طبیعی کوچک، مردم را با محیطی رویایی و علمی - تخیلی روبرو می‌کند که حس مکان آن به وسیله درختان تازگی، سرزندگی، دل‌پذیری و غنا پیدا می‌کند. در همان حال «کوبایاشی» بناهای موقتی را در فضاهای همگانی خلق نمود که زمینه ارتباط مستقیم همه مردم را با حیوانات فراهم می‌کند. هنرمند دیگری نظیر «هانسسن» با استفاده از ساقه‌های سرو، نی و نخل در یک شالیزار، نه تنها امنیت و آرامش را برای مردم تداعی کرده است، بلکه

سعی نموده با مفصل عناصر کاملاً طبیعی خواش همیشگی فضاهای بیرون و درون را جهت هم پیوندگی با یکدیگر پاسخگو باشند. «جولیانو موری» در آثار خود از مکانی سخن می‌گوید که در اثر هم پیوندی و هم‌آوایی فضاهای خالی موجود با گیاهان یا عوامل طبیعی شکل گرفته است. او چنین مکانی را طبیعت اثربخش می‌داند و آن را ماوا یا فضای آرامش بشر می‌نامند. در طراحی طبیعت مدار بخشی از کار را هنرمند انجام می‌دهد و بخشی دیگر را خود طبیعت زنده به عهده می‌گیرد. طراح و هنرمند طبیعت‌مدار با مواد و مصالح و ابزاری سروکار دارد که زنده، فعال و پویا هستند. لذا برعکس مواد و مصالح غیرطبیعی که مرده، غیرفعال و ایستا بوده و بازتاب‌دهنده مکانیکی تلاش هنرمند هستند خود چون اثری جاندار تاثیرگذار عمل می‌کنند. به علاوه، مواد و مصالح هنر و معماری طبیعی، در مقایسه با مواد و مصالح هنر و معماری مصنوع، به دلیل برخورداری از محتوای نباتی، آن گونه که مولوی گفته است به انسان نزدیک‌تر هستند.

«مارسل کالبر» امیدوار است که با تکیه بر هنر معماری طبیعی روزی تفاوت بین خانه و باغ از بین برود و سنگ‌تراش و باغبان یکی شوند. «ایچی ایکی‌دا» تلاش می‌کند در فضای حیاتی دنیای پس از مدرن آب را جانشین آتش نماید. بالاخره، تلاش می‌شود با صدای وزش باد، زمزمه پرندگان، بوی کاه و چسبندگی رطوبت لطیف آب بر بدن غنای حس مکان رنگ و بوی طبیعی‌تری به خود بگیرد. انتظار می‌رود هنر، معماری یا طراحی طبیعی

چنان ارتباطی از توده و فضا را تعریف کند، که مکان از طریق غرق شدن توده در امواج فضا تعریف شود. در آن صورت نه تنها طراحی به اوج بالندگی هنری خود می‌رسد و انسان آزادی فضا را با روح و جان خود حس می‌کند، بلکه کالبد انسان نیز، در جریان یکی شدن با توده‌های طبیعی و غرق شدن در روح فضا، دیگر مانع آزادی او در جریان حرکت سازنده نمی‌شود. کتاب «معماری طبیعی» با معرفی آثار پیشگامان معماران طبیعی یا هنرمندانی که فضاهای همگانی یا قلمرو جمعی انسان ساخت را با طبیعت پیوند زده‌اند، تلاش آغازین هنرمندان عصر پسامدرن برای تنظیم رابطه روح و جسم انسان تشنه معنویت فطری را نشان می‌دهد. انتظار می‌رود ترجمه این کتاب که با قلم جوان و پرانرژی آقای مهندس ابراهیم‌زاده به بار نشسته است، انتظارات یادشده را برای جامعه فارسی‌زبانان معنی‌دار نماید. قطعاً خوانندگان محترم تلاش ارزنده و قابل تقدیر ایشان را در شناساندن آثاری که در متن کتاب عرضه شده است حس خواهند کرد. امیدوارم این ترجمه ارزنده مقدمه خوبی برای دانش‌پژوهان حوزه معماری و طراحی شهری، به ویژه جهت معرفی این‌گونه آثار، در جامعه فارسی‌زبانان، باشد.

دکتر مصطفی بهزادفر

دانشیار طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران

تهران - فروردین ۱۳۸۹